پاره‌ها و نکته‌ها

پژوهشنامهٔ متون ادبی دورهٔ عراقی
وبگاه نشریه: https://motounadabi.razi.ac.ir/
شاپای الکترونیکی:
ISSN: 2821-2371

دریچه‌ای به فرهنگ و ادب ایرانیان قبل از اسلام
آبشخور فکری سعدی در مضمون «تأثیر نفرین ستمدیدگان»

وحید سبزیان‌پور [*۱]

۱. استاد، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.
رایانامه: sabzianpoor@razi.ac.ir

آتش سوزان نکند با سِپند　　آنچه کند دود دل مستمند[i]
زورمندی مکن بر اهل زمین　　تا دعایی بر آسمان نرود

(همان: ۷۸)

سعدی از ظالمی می‌گوید که با ستم به بیچارگان انبارها پر کرده بود، وقتی آتش به کالای او افتاد و از بستر نرمش به خاکستر گرم انداخت، با حسرت و حیرت پرسید: نمی‌دانم این آتش از کجا به خرمن من رسید؟ جواب می‌شنود از دل درویشان:

حذر کن ز درد درون‌های ریش　　که ریش درون عاقبت سر کند[ii]
بهم برمکن تا توانی دل　　که آهی جهانی بهم برکند[iii]

(همان: ۷۸)

خرابی کند مرد شمشیر زن　　نه چندان که دود دل طفل و زن[iv]

(بوستان)

بر ارباب فضل ودانش امری بدیهی است که زشتی و بدی ستم، از مضامین اسلامی است و به راحتی می‌توان با یک جستجوی ساده، شواهد و منابع آن را در فرهنگ اسلامی پیدا کرد.

محفوظ این مضمون سعدی را برگرفته از مضامین عربی دانسته است:

الظُّلْمُ نَارٌ فَلا تُحقِّر صَغِيرَتَهُ　　لَعَلَّ جَذوَةِ نَارٍ أحرَقَت بَلَدا

(روض الاخیار، نقل از محفوظ، ۱۳۳۶: ۱۹۱)

ستم آتش است پس کوچک آن را حقیر مپندار، زیرا یک جرقهٔ آتش یک شهر را می‌سوزاند.

سعدی با گره زدن فرهنگ کهن و ملی ایران با فرهنگ اسلامی، آثاری خلق کرده که در نگاه اول

اسلامی و عربی می‌نماید اما صورتی در زیر دارد آنچه در بالاستی. بایستهٔ تأمل است که این مضمون در زهدانِ اندیشهٔ مردم این سرزمین، در دوران قبل از اسلام وجود داشته و آنقدر رایج و مشهور بوده که در منابع عربی به آن اشاره شده است: - «**فَقَد سُئِلَ حَكِيمُ السَاسَانِيةِ عَن سَبَبِ زِوَالِ دَولَتِهِم فَقَالَ: «لِأَنَّا فَوَّضنَا الأُمُورَ إِلَى غَيرِ أَهلِهَا وَغَفَلنَا عَنِ الرَعِيَةِ حَتَى أَكَلَ بَعضُهُم بَعضَاً وَلَم يَكُن لَنَا صَاحِبٌ خَيِّرٌ يُنهِي إلينا فَاجتَرَأَ عَلينَا العَدُوُ، وَمِنهَا أَن يَتَبَرَّكَ بِدُعَاءِ الصَالِحِينَ فَكَم مِن دَولَةٍ أَزَالَتهَا أَدعِيَةُ النَّاسِ وَكَم مِن مَملِكَةٍ وَطَّدَتهَا.** » (خوارزمی، ۱۴۱۸: ۴۴۹/۱): (از حکیم ساسانی در علت نابودی دولتشان سؤال شد، در پاسخ گفت: ما کارها را به افراد ناشایست سپردیم و از مردم غافل شدیم تا اینکه برخی حق برخی دیگر را خوردند و ما دوست دلسوزی نداشتیم که به ما اطلاع دهد، درنتیجه دشمن بر ما جسور شد، برخی از دولت‌ها با دعای انسان‌های صالح متبرک می‌شوند، چه بسیار دولت‌هایی که با نفرین مردم نابود می‌شوند و چه بسیار حکومت‌های که با دعای مردم استوار و پابرجا می‌شوند.[v])از باب مزید فایده و اثبات این مدعا، ضرب المثل «**اتَّقِ مَجَانِيقَ الضُّعَفَاءِ**: از منجنیق ضعیفان بترسید» است که میدانی (۱۹۵۵. ۱۷۰/۱)» آن را در زمرهٔ احادیث مولد یعنی غیر عربی و تازه‌وارد آورده است. در ریشه‌یابی این ضرب المثل عربی باید گفت: «منجنیق» به معنی سنگ انداز است. آلتی که بدان سنگ اندازند (دهخدا، ۱۳۴۵: ۱۲۲۲/۴۱) جوالیقی(۱۴۱۰: ۲۲) جمع شدن «ج» و «ق» را با هم در یک کلمه از ویژگی‌های کلمات عربی نمی‌داند. وی این واژه را تغییر یافتهٔ «من جی نیک» یعنی من چه زیبا هستم، می‌داند. نک: (همو، ۵۷۲) ادی‌شیر (۱۹۸۸: ۱۴۷) نیز این واژه را فارسی معرفی کرده است. وجود یک واژهٔ فارسی در یک ضرب المثل عربی که کارشناسی چون میدانی آن را مهمانی از فرهنگ‌های غیر عربی در زبان عربی می‌داند، تردیدی باقی نمی‌گذارد که سرچشمهٔ آن فرهنگ ایرانی است. ممکن است برای برخی از خوانندگان این مطلب بی‌ارزش و سطحی جلوه کند، حال آنکه در ادبیات تطبیقی، از اهمیتی سخت عظیم برخوردار است زیرا پژوهشگر به دنبال آبشخورهای فکری یک ملت و معرفی استغنای فکری و اندیشه‌های مایه‌ور آنان است که از جهت تاریخی، تقدم بر دیگران دارد. بنابر این اسناد و دلایل قابل ملاحظه و آنچه گفته آمد، معلوم نیست که آیا سعدی این مضمون را از منابع اسلامی گرفته یا از فرهنگ شفاهی و سینه به سینه از پدران و اجداد خود دریافت کرده است. از دیگر سو این مضمون و جز این، نشان می‌دهد که اجداد ما در این سرزمین کهن، به سبب واقع‌بینی، هشیاری و دقت نظر، حقایقی را دریافته‌بودند که بعدها در فرهنگ اسلامی نیز دیده می‌شود. دیگر سخن آنکه در فرهنگ اسلامی ده‌ها شاهد برای خانمان‌سوزی ظلم و ستم دیده می‌شود[vi] ولی احتمال اینکه منبع این مضمون

«خطر نفرین مظلوم[vii]» احادیث اسلامی نباشد، منتفی نیست.

کتابنامه

نهج البلاغه

آمدی، (غرر الحکم)، نرم افزار نور

ادی شیر، السید (۱۹۸۸) الالفاظ الفارسیة المعرَّبة، الطبعة الثانیة، بیروت: المطبعة الکاثولیکیة.

امام علی (ع)؛ دیوان، (۱۳۹۲)، پژوهشی در اسناد دیوان منسوب به امام علی (ع)، وحید سبزیان پور، با همکاری لیلا خوشنویسان

الثعالبی، منصور، (۱۹٦٥)؛ ثمار القلوب فی المضاف و المنسوب، تحقیق مُحَمَّد ابولفضل ابراهیم، دار المعارف، القاهرة، بی‌تا

الجوالیقی، ابوالمنصور، (۱٤۱۰)، المعرب، الطبعة الاولی، دمشق، دار القلم

حافظ، (دیوان)، نرم افزار گنجور

الخوارزمی، أبي بکر مُحَمَّد بن العباس، «ت: ۳۸۳»، (۱٤۱۸)، مفید العلوم ومبید الهموم، بیروت: المکتبة العنصریة.

دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۵) لغت نامه دهخدا، زیرنظر محمد معین و سید جعفر شهیدی،چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

سعدی، مصلح الدین، (۱۳۶۸)، گلستان، به کوشش خلیل خطیب رهبر، چاپ پنجم، کتابفروشی صفی علیشاه.

سعدی؛ مصلح الدین، (بوستان) نرم افزار گنجور

سنایی، (**حدیقة الحقیقة**)

فردوسی، ابوالقاسم، (شاهنامه)، نرم افزار گنجور

محفوظ، حسین علی (۱۳۳۶)، متنبّی و سعدی، چاپ اوّل، تهران: روزنه.

المیدانی، ابوالفضل (۱۹٥٥) مجمع الأمثال، ج ۲–۱، تحقیق: محمّد محي الدّین عبد الحمید، القاهرة: مطبعة السّنّة المحمّدیّة.

پی نوشت

i.

در سحرگه دعای مظلومان نالهٔ زال و وای مظلومان
بشکند شیر شرزه را گردن درکش از ظلم خسروا دامن
آنچه در نیم شب کند زالی نکند چون تو خسروی سالی

(سنایی)

ii. حافظ: خوش باش که ظالم نبرد راه به منزل

iii. فردوسی از زبان انوشروان به خطر نفرین برای حکومت سخن می‌گوید: نخسبد کسی با دلی دردمند / که از درد او بر من آید گزند

iv. در حکمت‌های منسوب به علی (ع) در غرر الحکم آمده است: **أَنْفَذُ السِّهامِ دَعْوَةُ المَظْلُومِ**: مؤثرترین نیزه، نفرین ستمدیده است. در تعبیر سعدی و حکمت منسوب به امام علی (ع) نفرین، به سلاح کشنده و مرگبار تشبیه شده در یکی شمشیر، در دیگری نیزه. نکتهٔ قابل تأمل اینکه در هردو تعبیر یک تشبیه تفضیل و پنهان وجود دارد. خطر آه مظلوم بیشتر از خطر شمشیر و نفرین دردمند برنده‌تر و نافذتر از نیزه است. عین این تشبیه در اشعار سنایی دیده می‌شود: آه مظلوم در سحر به یقین / بتر از تیر و ناوک و زوبین

v. بلاگردان جان و تن دعای مستمندان است

vi. **فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ دَعْوَةَ الْمُضْطَهَدِينَ**. (نهج البلاغه؛ نامه: ۵۳)؛ خداوند نفرین ستمدیدگان را می‌شنود.

vii. در دیوان منسوب به علی (ع) که در قرن ششم تدوین شده و در صحت انتساب این اشعار به حضرت تردید بسیار وجود دارد، آمده است:

فَاحْذَرْ بُنَيَّ مِنَ اَلْمَظْلُومِ دَعْوَتَهُ كَيْلاَ يُصِبْكَ سِهَامُ اَللَّيْلِ فِي اَلظُّلَمِ
تَنَامُ عَيْنُكَ وَاَلْمَظْلُومُ مُنْتَبِهٌ يَدْعُو عَلَيْكَ وَعَيْنُ اَللَّهِ لَمْ تَنَمِ

(امام علی؛ دیوان؛ ۱۳۹۲: ۳۱)

فرزندم! از نفرین مظلوم حذر کن تا تیرهای شبانه در تاریکی به تو اصابت نکند؛ چشم‌های تو به خواب می‌رود در حالی که مظلوم بیدار است و نفرینت کند و چشم خدا به خواب نرود.

ثعالبی (۱۹۶۵: ۶۷۴/۱) عبارت: «**اتقُوا دَعوةَ المظلومِ ولو كان كافرا**: از نفرین ستمدیده بترسید؛ اگرچه کافر باشد» از اخبار دانسته و منبع آن را ذکر نکرده، سپس بیت زیر را بدون اشاره به نام شاعر ذکر کرده است:

دَعَت عَلَيكَ أكُفٌ ظَالَما ظُلِمَت ولَن تُرَدَّ يَدٌ مظلُومَةٌ أبَدا

دستانی که به آنها ستم شده، نفرینت می‌کنند، در حالی که دست مظلوم هرگز رد نمی‌شود.